

نقش اخلاق کارگزاران در بهبود کار و کاهش ناکارآمدی حکومت در متون دینی

غلامحسین کرمی^۱

محمدعلی حیدری^۲

محمد باقرزاده^۳

چکیده

در نظام جمهوری اسلامی نخستین انگیزه‌ای که به کارگزار جهت و هدف می‌دهد، این است که مسئولیت کارهای بندگان خدا را عهده‌دار می‌شود، و از این رو مجری فرامین الهی است، و هرچه بیشتر به مسئولیت خویش عمل نماید، به بندگان خدا خدمت می‌کند و به همان نسبت نقش خود را جهت تحقق اهداف عالی حکومت الهی بهتر ایفا می‌نماید.

جمهوری اسلامی ایران، نظامی است که پس از گذشت قرن‌ها ظلم و ستم، بر آن است که خدمتگزار مستضعفین جامعه باشد. این نظام برای تحقق اهداف مقدس خود متکی به کارگزارانی شایسته و لایق است، و یکی از ویژگی‌های مهمی که نظام مذکور را از سایر نظام‌ها جدا می‌کند، کیفیت نیروی انسانی کارگزار در حکومت است.

مقاله‌ی حاضر با اتکا بر قرآن کریم، نهج‌البلاغه و سایر کتب دینی و با استفاده از احادیث و روایات پیامبر (ص) و امامان شیعه، قصد دارد دیدگاه اسلام را در خصوص اخلاق کارگزاران و مبارزه با فساد حکومتی و اداری ارائه نماید، و در این راستا، وظایف دولت، مدیران و کارگزاران آن را برای ایجاد و برقراری حکومتی سالم در جهت خدمت به مردم در قالب ۱۳ بند، خلاصه نموده است.

کلمات کلیدی: اخلاق کارگزاران، فساد حکومتی و اداری، قرآن، نهج‌البلاغه، روایات.

۱. کارشناس ارشد علوم اجتماعی گرایش جامعه‌شناسی (دانشجوی دکتری) و مدیرکل بازرسی استان خوزستان.

۲. کارشناس اقتصاد گرایش بازرگانی و مسئول حفاظت و اطلاعات اداره کل بازرسی استان بوشهر.

۳. کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی گرایش مدیریت مالی و کارشناس برنامه و بودجه پارک علم و فناوری خلیج فارس استان بوشهر.

مقدمه

مبارزه با فساد اداری یکی از مباحثی است که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به صورت جدی مطرح شده و در سال‌های اخیر به طور ویژه‌ای مورد توجه متولیان امر قرار گرفته است. تعمق در قرآن، کتب دینی، احادیث و روایات و سیره‌ی عملی پیامبر (ص) و امامان شیعه، نشان می‌دهد که موضوع مزبور، در دین اسلام، دارای اهمیت قابل توجهی بوده و مدیران و کارگزاران دولتی می‌توانند با تکیه بر این منابع گرانبها، راه درست را از غلط تشخیص داده و با توجه به اهداف متعالی نظام اسلامی به عنوان خدمتگذاران جامعه، به انجام امور محوله بپردازند. در این مقاله، سعی گردیده تا به طور خلاصه نظرات و دیدگاه‌های اسلامی در خصوص مبارزه با فساد حکومتی و اداری آورده شود.

۱. عدالت محوری

از اوصافی که می‌توان برای یک مدیر مؤمن و شایسته مطرح کرد، اهتمام به عدالت اجتماعی و عدل محور بودن است. این واژه‌ی مقدس که در قرآن کریم و متون روایی اسلامی به طور گسترده، مطرح و برفراگیر بودن آن تأکید شده، مفهومی پربار، امیدآفرین و نشاط‌انگیز دارد (پاک‌نیا، ۱۳۸۸).

خداوند با تأکید فراوان به گسترش عدالت اجتماعی و سیاسی در لایه‌های گوناگون جامعه‌ی اسلامی، عنایت ورزیده، و به اهل ایمان فرمان می‌دهد: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! برای خدا قیام کنید و از روی عدالت گواهی دهید؛ مبادا دشمنی با گروهی، شما را به ترک عدالت [و انصاف] متمایل کند. عدالت پیشه کنید که به تقوا نزدیک است و تقوای الهی پیشه کنید که خداوند نسبت به آنچه انجام می‌دهید با خبر است (مائده/۸).

امام صادق (ع) درباره‌ی الگوی مدیران حکومت اسلامی، یعنی حضرت محمد (ص) می‌فرماید: آن بزرگوار، چنان عدالت را در برنامه‌های مدیریتی خود به مرحله‌ی عمل درآورده بود که حتی لحظات خود را در جلسات عمومی در میان حاضران تقسیم می‌کرد و در نگاه خودش بین افراد، تبعیض قائل نبود (وسائل‌الشیعه، شیخ حر عاملی). همچنان که مطابق با قرآن کریم، رسول اکرم (ص) همواره می‌فرمود: من مأمور شده‌ام که عدالت را میان شما برقرار سازم (شوری/۱۵).

۲- قاطعیت در اجرای عدالت

یک مدیر عادل، هم‌زمان با اجرای عدالت در تمام ابعاد آن، ناچار است برای اجرای عدالت

با مفسدان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مروجان فساد، فحشا و بی‌بندوباری، بر هم‌زنندگان عزت و استقلال کشور و سایر موانع عدالت، مقابله کند (پاک‌نیا، ۱۳۸۸).

امام ششم در این باره فرمود: لَا يُقِيمُ النَّاسَ إِلَّا السَّيْفُ و... (الکافی، محمد بن یعقوب کلینی)؛ یعنی تنها شمشیر، مردم را استوار می‌گرداند و شمشیرها کلیدهای بهشت و دوزخند.

آری، در سایه‌ی مدیران عدالت‌محور، باید اهل تقوا و انسان‌های پاکدامن، در آسایش زندگی کنند و خائنان و افراد آلوده دامن، در هراس به سر برند. به همین سبب، صادق آل‌محمد (ع) می‌فرماید: اجرای یک مورد حدّ در زمین، بهتر از باریدن چهل روز باران است (وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی).

در این جا شایسته است که آن سخن تاریخی مولای عدالت‌پیشگان را به یاد آوریم که به عبیدالله بن عباس یکی از مدیران حکومت علوی، که از جاده‌ی صداقت و عدالت خارج شده و به بیت‌المال خیانت کرده بود، عتاب کرد و در آخر فرمود: به خدا سوگند، اگر حسن و حسین چنان می‌کردند که تو انجام دادی، از من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزو نمی‌رسیدند تا آن که حق را از آنان باز پس ستانم (نهج البلاغه، نامه ۴۱).

۳- مبارزه با اخذ رشوه توسط مدیران و کارگزاران

علی (ع) در فراز سخنانی که از فتنه‌ها و آزمون‌های آینده خبر می‌دهد، از قول پیغمبر اکرم (ص) می‌فرماید: ای علی، این مردم به زودی به وسیله‌ی اموال‌شان مورد آزمایش قرار می‌گیرند؛ در دینداری بر خدا منت می‌گذارند و با این حال، رحمتش را آرزو می‌کنند و خود را از خشم و قدرتش در امان می‌پندارند؛ حرام خدا را با شبهات دروغین و هواهای نفسانی و غفلت‌زا حلال می‌شمزند، و بدین گونه، شراب را به بهانه‌ی این که آب انگور است، و رشوه را زیر پوشش «هدیه»، و ربا را تحت عنوان معامله، حلال می‌پندارند (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۵۶).

از نظر اسلام، گرفتن رشوه از سوی حاکم در مقام صدور حکم در حد کفر و شرک، و گرفتن هدیه از سوی کارگزاران در قبال انجام وظیفه‌ی اداری، به خیانت توصیف گردیده و از هر دو شدیداً نهی شده است (رحیمیان، ۱۳۸۰).

در مورد رشوه از حضرت رسول اکرم (ص) روایت شده: «از رشوه بر حذر باشید، زیرا رشوه کفر محض است، و بوی بهشت به مشام صاحب رشوه نرسد» (بحار الانوار ج ۱۰۴). در روایات دیگر، رشوه‌دهنده و رشوه‌گیرنده را لعنت فرموده و آن‌ها را اهل آتش دانسته است. علی (ع) نیز گیرنده‌ی هدیه را خائن و گیرنده‌ی رشوه را مشرک نامیده است: ... من اخذ هدیه‌ی کان غلولا

و من اخذ رشوه‌ی فهومشرك»؛ همچنین آن حضرت در معنی اكالون للسحت (مائه/۴۲) فرمود: او کسی است که حاجت برادرش را بر آورد و آن‌گاه هدیه او را بپذیرد. پیغمبر اکرم (ص) شخصی به نام «ابواللیثه» را به جمع آوری زکات گمارده بود؛ هنگامی که او از مأموریت بازگشت، زکات‌ها را تحویل داد، و با صداقت، اجناسی را برای خود نگهداشت و گفت، آن‌ها به عنوان هدیه به من داده شده است! پیغمبر اکرم (ص) بلافاصله برخاست و روی منبر ایستاد و فرمود: چه شده است که کارمندی که ما برای انجام کارمان گسیل داشته‌ایم می‌گوید: این برای شماست و این هدیه برای من است! آیا به راستی اگر در درون خانه‌ی پدر و مادرش نشسته بود، به او هدیه‌ای داده می‌شد! قسم به آن که جانم دردست اوست، هیچ کس چیزی (هدیه) را نمی‌گیرد، مگر آن که در روز قیامت آن را برگردن خود حمل می‌کند و... (بحار، ج ۱۰۴).

۴- اشتیاق به خدمت

دولت مردان پیرو مذهب جعفری (ع)، همواره خود را در مقابل مشکلات مردم، مسئول می‌دانند و برای رفع نیازها و گرفتاری‌های اهل ایمان، با تمام وجود اقدام می‌کنند. آنان ریاست و منصب دولتی را هرگز به عنوان یک طعمه‌ی چرب و نرم حساب نمی‌کنند؛ بلکه فرصت و وسیله‌ای برای احقاق حقوق محرومان و مستضعفان جامعه می‌شمارند و تلاش می‌کنند تا زمانی که مشکل برادر دینی و ایمانی خود را حل نکرده‌اند، به آسایش و راحتی خود نیندیشند. دولت‌مردان و مدیرانی که کانون مهر و محبت و رحمت‌اند و باگشاده‌رویی و اشتیاق تمام به خدمت مردم می‌پردازند، در قلب جامعه و در دل انسان‌ها جای دارند (پاک‌نیا، ۱۳۸۸).

یک کارگزار و مدیر با ایمان در جامعه‌ی اسلامی، این نوای ملکوتی ششمین پیشوای شیعیان جهان را با گوش جان می‌شنود، و نصب‌العین خود قرار می‌دهد که: هر مؤمنی گرفتاری مؤمنی در سختی افتاده را برطرف کند، خداوند، حوایج دنیا و آخرتش را آسان می‌گرداند، و هر مؤمنی عیب مؤمنی را بپوشاند که [آن مؤمن] از آن می‌ترسد، خداوند ۷۰ عیب دنیوی و اخروی او را می‌پوشاند و تا زمانی که مؤمن در جهت یاری به برادرش باشد، خداوند او را یاری می‌کند؛ پس به وسیله‌ی موعظه و پند، سود ببرید و در کار خیر رغبت داشته باشید» (الکافی).

دولت‌مردان و مدیرانی که کانون مهر و محبت و رحمت‌اند و باگشاده‌رویی و اشتیاق تمام به خدمت مردم می‌پردازند، در قلب جامعه و در دل انسان‌ها جای دارند. آنان با عمل پسندیده خود در روح و جان مردم نفوذ می‌کنند و پیوسته بر اثر لطف الهی از پشتیبانی مردم برخوردارند

و عزت و احترام خواهند داشت (پاک‌نیا، ۱۳۸۸).

امام صادق (ع) در پیام ارزشمندی به مدیران و آحاد جامعه‌ی اسلامی چنین توصیه فرمود: بر مسلمانان شایسته است که در پیوستن کوشش کنند و در مهرورزی و عطوفت نسبت به یک‌دیگر مشارک و همکاری کرده و مواسات نسبت به حاجت‌مندان داشته باشند، و عطوفت آنان نسبت به هم به گونه‌ای باشد که خداوند در قرآن به آن امر کرده و فرمود: مؤمنین با همدیگر مهربانند (الکافی، ج ۲).

در حقیقت، خدمت به برادران دینی، بالاترین عبادتی است که هیچ امر خیری به درجه‌ی آن نمی‌رسد. آن گرامی فرمود: خداوند متعال به چیزی همانند گام برداشتن در راه خدمت و نیکی به برادران دینی عبادت نشده است (الکافی).

۵- اخلاق در رفتار کارگزاران

آیت‌الله جوادی آملی (۱۳۷۸) با اشاره به آیه‌ی ۲۵ سوره حدید، بر مدیریت اخلاقی مبتنی بر قوانین الهی تأکید می‌کند. این سوره می‌فرماید: ما پیامبران را با معجزه و ادله‌ی قاطع و گویا فرستادیم و با آنان کتاب آسمانی - که مجموعه‌ی عقاید، اخلاق و قوانین علمی را در بر دارد - نازل نمودیم تا مردم به عدل و داد قیام نموده و به جور و ستم قصور نکنند، و آهن را که در آن باس و نیروی شدید بوده و عامل هراس بیگانگان است، فرو فرستادیم که یاغیان و رهنان با آن دفع شوند و از حریم قسط و عدل و قانون الهی دفاع گردد. وی همچنین معتقد است که یکی از اهداف حکومت اسلامی، تأسیس مدینه‌ی فاضله است. از جمله ویژگی‌های مدینه‌ی فاضله از دید ایشان و بر اساس آیه‌های قرآن کریم، به طور خلاصه، موارد زیر را می‌توان برشمرد:

الف) رشد فرهنگی؛ زمامدار حکومت اسلامی، عهده‌دار تأمین علم و دانش شهروندان قلمرو و حکومت خواهد بود (مطابق سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۲)

ب) رشد اقتصادی؛ رهبران اسلامی، تبیین خطوط کلی (مسایل) مالی در نظام اسلامی را به عهده دارند و قوانین الهی، گذشته از آن که مردم را به کاشت، داشت و برداشت در همه‌ی شئون اقتصادی دعوت می‌کند، حلال بودن آن را نیز در همه‌ی مراحل تحصیل، نگهداری، توزیع و صرف و هزینه، رکن لازم هر اقتصاد سالم می‌داند (مطابق سوره‌ی نور آیه‌ی ۳۳، سوره‌ی حدید آیه‌ی ۷، سوره‌ی نساء آیه‌ی ۵، سوره‌ی حشر آیه‌ی ۷ و سوره‌ی توبه آیه‌ی ۳۴).

ج) فرآیند صحیح صنعتی؛ پیشوایان نظام اسلامی، عهده‌دار ترغیب به فراگیری کامل و تعلیم کیفیت بهره‌برداری از آن هستند (مطابق سوره‌ی نساء آیه‌ی ۲۹ و سوره‌ی سبأ آیات ۱۲ و ۱۳).

د) رشد حقوقی داخلی و بین‌المللی؛ قوانین اسلامی و مسئولان نظام دینی، عهده‌دار تبیین و اجرای آن هستند (مطابق سوره‌ی کهف، آیه‌ی ۹۶ و سوره‌ی بقره‌ی آیات ۱۷۷ و ۲۷۹).
 آیت‌الله مصباح یزدی (۱۳۷۸) نیز معتقد است، دستیابی به آن‌چه در سطور پیشین مطرح شد، از طریق استفاده و به کارگیری مدیرانی امکان‌پذیر است که با اخلاق اسلامی تربیت یافته‌اند.
 استاد جعفر سبحانی (۱۳۷۸) از جمله ویژگی‌های عمومی مدیریت از دیدگاه اسلام را موارد زیر می‌داند:

۱. ایمان به ارزش کار ۲. امانت و تعهد ۳. دانایی ۴. توانایی ۵. دادگری در میان زیردستان
۶. احترام به افکار دیگران ۷. قاطعیت و بُرندگی در تصمیم ۸. تواضع و فروتنی یا مردمی بودن
۹. حسن سابقه ۱۰. داشتن آمیزه‌ای از نرمی و درشتی ۱۱. بزرگ‌منشی و بزرگواری در برابر مخالفان
۱۲. انتقادپذیری ۱۳. آشنایی به زمان ۱۴. دوراندیشی.

در ویژگی‌های فوق، اضافه بر این که تخصص، داشتن دیدگاه استراتژیک، توجه به مدیریت زمان و استفاده از روش‌های مدیریتی مبتنی بر مشارکت تأکید شده، بر ویژگی‌های اخلاقی نیز تأکید خاصی شده است. به عبارت دیگر، ترکیب علم، عمل، ایمان و اخلاق می‌تواند به مدیریت یاری رساند تا هدف‌های سازمانی را محقق سازد.

از نظر اسلام، خدمت به مردم وظیفه عمده‌ی دولت و دستگاه‌های اداری است. علی(ع) در نامه‌های خود، به کرات به حکام یادآوری کرده‌اند که مهم‌ترین وظیفه‌ی آنان و مأموران‌شان این است که از روی شایستگی و مهربانی، شرافت‌مندانه به مردم خدمت کنند. به آن‌ها سفارش شده که طبق موازین قانونی و نه مستبدانه، با خلق خدا از روی عدالت رفتار کنند. این تأکید از سوی علی(ع) در جمله‌ی زیر خلاصه شده است: کمال سعادت، تلاش در اصلاح امور مردم است.

علی(ع) بعد از آن که مالک‌اشتر را به خدمت در راه خلق و نیکبختی روزافزون مردم سفارش می‌کند، می‌فرماید: فرمانروا تنها زمانی از اعتماد مردم برخوردار تواند بود که مهربان باشد و در رفتار با آنان جانب ملاحظه فرونگذارد، گرفتاری‌های‌شان را از میان ببرد و به آنان ستم روا ندارد. ایشان به مأموران خود دستور می‌دهند که به هنگام جمع‌آوری مالیات، مشکلات دهقانان را مدنظر داشته باشند. از دیدگاه ایشان، رفاه مالیات‌دهنده، از خود مالیات مهم‌تر است. سیاست جمع‌آوری مالیات باید چنان باشد که از حدّ توانایی افراد تجاوز نکند: حکمرانی که به سعادت رعایای خود و باروری زمین بی‌توجه است و کوشش‌های او همه مصروف جمع‌آوری درآمد

است، زمین را بی حاصل و ملک را تباه می کند.

از آن جا که تهیدستان و بینوایان ممکن است در دسترسی به فرمانروا مشکلاتی داشته باشند، او باید به ویژه به رفاه خلق دلبستگی داشته باشد، از بار اندوهشان بکاهد و حرمتشان را نگاه دارد، هر چند جامعه به چشم حقارت در ایشان نظر کند. علی (ع) به مالک اشتر می فرمود: اشتغال به مسایل عمده‌ی مملکتی، به عنوان حجت متقن در تغافل نسبت به فقرا، پذیرفته نیست.

تحقیقاتی که امروزه در ارتباط با مشتری‌مداری صورت می گیرد، رفتار مؤدبانه‌ی کارگزاران به عنوان یکی از عوامل مورد توجه مردم، همواره مورد تأکید قرار گرفته است. علی (ع) این نکته را بسیار زیباتر از همگان مورد توجه قرار داده و به مالک اشتر می فرماید که از مأموران خود بخواهد در رفتار نسبت به خلق، جانب ادب و نزاکت را فرونگذارد: ای مالک، هرگز به خود مگویی من خداوندگار و فرمانروای ایشانم... و باید از روی فروتنی و حلم، اطاعت من کنند؛ چون چنین اندیشه‌ای، ذهن را از مدار صحت و توازن بدر برد و تو را خودبین و پرنخوت کند (مزارعی، ۱۳۷۸).

یکی از خطرناک‌ترین آفات اخلاق سازمانی و تباه‌کننده‌ترین عامل رفتار انسانی این است که کارگزاران و کارمندان نظام اداری، از بالا به پایین به مردمان بنگرند و خود را بر آنان مسلط ببینند و اداره‌ی امور خود را فرمانروا تصور نمایند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۳). علی (ع) به منظور جلوگیری از هرگونه گرایش مالک به سوی عجب و تکبر، دو قانون رفتاری را مکرراً به او گوشزد می کنند: در قبال خلق، رفتاری متواضعانه در پیش گیرد و آن شیوه زندگی اختیار کند که پر زرق و برق نباشد، و از طرز زندگی مسلمان معمولی، چندان دور نگردد (صدقی، ۱۳۷۸، ص ۹).

نکته‌ی دیگری که می تواند مبنای رفتار اسلامی کارگزاران و مدیران دولت‌های اسلامی قرار گیرد، دسترسی مردم به آنان است. علی (ع) از مالک اشتر می خواهند که هر روز، زمان معینی را به پذیرفتن افراد شاکی اختصاص دهد و با شکیبایی و نزاکت با آن‌ها رفتار کند، حتی اگر رفتار آن‌ها نابهنجار و بی نزاکت باشد و گفتارشان نامربوط. حکام نباید بین خود و خلق پرده کشند: زنها! بین خود و کسانی که بر آن‌ها حکم می رانی، حجاب جاه و مقام حایل نکنی.

کارگزاران و مدیران، حق ندارند مستبد باشند یا طبق امیال خود عمل کنند و بر آنان است که در قلمرو قانونی، وظایف خود را انجام دهند. اساساً اصول حکومت قانون و اصل برابری در مقابل آن، در کتبی که در جهان اسلام در زمینه‌های حکومت و اداره امور نوشته شده، سخت

مورد تأکید قرار گرفته است. علی (ع) می‌فرماید: کشور را باید بر اساس اصول عدالت و برابری اداره کرد و به مالک دستور می‌دهد که امور اداری قلمرو حکومت خود را طبق فرامین الهی و احادیث نبوی حل و فصل کند و نباید اندیشه‌های واهی شأن و مقام را در دماغ پرورد، و خودرأیی پیشه کند و به خداوند اعلان جنگ کند.

از دیگر اصول اخلاقی مورد توجه در اسلام، شایسته‌سالاری است. از آن جایی که اسلام مکتبی ارزشی است، مدیران آن نیز باید طبق ارزش انتخاب شوند. علی (ع) به مالک دستور می‌دهد که در انتخاب عمال و کارگزاران، افرادی را انتخاب کند که دارای تجربه‌ی کاری و حیا باشند، از خانواده‌ای صالح و پیش از همه اسلام آورده باشند، که چنین افرادی دارای اخلاق کریم‌اند (سیدرضی، نامه شماره ۵۳)؛ بنابراین از نظر اسلام، مدیریت و مسئولیت‌ها از آن شایسته‌هاست، همان‌طور که عقل نیز چنین می‌گوید. شاید مهم‌ترین باقیات و صالحات یک مدیر، چیزی جز گزینش افراد شایسته به مسئولیت‌ها نیست (صدقی، ۱۳۷۸، ص ۱۰).

سوءاستفاده، از ناحیه‌ی کارمندان خدمات عمومی، محکوم است، و اما برخلاف جوامعی که بین گروه‌ها فرق می‌گذارند، سیاست اسلامی، حمایت اقربا و رفیق‌بازی را محکوم می‌کند. کارمندان خدمات عمومی به متابعت از انضباطی سخت دعوت می‌شوند. از ایشان خواسته می‌شود که خواسته‌های نامتعادل و نامعقول خود را مهار کنند: همانا کاری که به عهده‌ی توست، طعمه‌ای برایت نیست، بلکه امانتی است بر گردنت (نهج البلاغه، نامه ۵). در نامه به مالک اشتر، علی (ع) اصل جلب توجه دیگری را عنوان می‌کنند: طبقات و درجات مختلف جامعه، برای سعادت و بهزیستی خود، به یک‌دیگر بستگی دارند. حکومت، خود به صورت کامل، توری تنگ بافت است، آن‌طور که طبقه‌ای از کارگزاران نمی‌تواند بدون حمایت دیگران، شاد زیند و بارضایت خاطر کار کنند. نیروهای مسلح، قضات، افسران پلیس، وزرا و مأموران وزارتخانه‌ها، ایفاکنندگان نقش‌هایی اساسی برای حکومت‌اند، و هر یک دارای حقوقی هستند؛ بر این اساس، نوعی موازنه‌ی قدرت و نفوذ بین عناصر تشکیل‌دهنده‌ی دولت به وجود می‌آید و کسی نمی‌تواند دیگران را زیر سلطه‌ی خود در آورد. کارمند کشوری، حتی اگر والاترین مقام اداری را احراز کند، نباید خویش را عقل کل انگارد.

امام، مکرر در مکرر به مالک سفارش می‌کند که با همکاران و حتی با مردم مشورت کند. در این باره، هم قرآن کریم و هم بزرگان دین به پرهیز از استبداد و اجتناب از خودرأیی سفارش، و بر مشورت تأکید کرده‌اند: اگر مشورت نکنید، تباه می‌شوید (حکمت ۲۰۲، ص ۱۱۶۵)؛ نیز

می‌فرمایند: در امور با اهلش مشورت کنید و از خود رأیی پرهیزید (حکمت ۲۰۲، ص ۱۱۸۱). برای به کار بستن ضوابط رفتار عمومی، ایجاد نظام گزارش‌گیری کارآمد توصیه می‌شود. امام علی (ع) معتقدند که حکمران باید از وضع رعایای خود و علل واقعی حوادثی که در قلمرو حکومت او اتفاق می‌افتد، آگاه باشد. اگر اطلاعات معتبر و موثق در دسترس نباشد، برداشت حکمران از اوضاع غیر واقعی خواهد بود و نخواهد توانست بر روابط موجود بین موقعیت‌ها و اوضاع، درست داوری کند؛ بنابراین آنچه اهمیت حیاتی دارد، داشتن وزرا و مأمورانی است که حقیقت تلخ را بی‌هیچ‌گونه پرده‌پوشی و بیم، به حکمران بگویند؛ مأمورانی که از هم داستانی با تو در انجام دادن اعمالی که خدا دوست ندارد، پیروانش مرتکب شوند، سر باز زنند. امام علی (ع) ضمن همان نامه به مالک‌اشتر توصیه می‌فرمایند که حکومت را از کارگزاران نادرست بپیرای؛ اگر یکی از آنان را غیر صالح یافتی و مأموران پنهانی تو مدار کی معتبر بر ناراستی او ارایه کردند، بر توست که او را کیفر دهی. این کیفر می‌تواند تنبیه جسمانی یا انفصال از خدمت و باز پس گرفتن آنچه به ناروا گرد آورده است، باشد.

۶- ساده‌زیستی و اجتناب از اشرافی‌گری

مدیران شایسته در حکومت اسلامی، ساده‌زیستی را یک خصلت خداپسندانه و باعث رسیدن به کمالات روح و ارتقای کیفی در انجام کارهای جامعه و خدمت به مردم می‌دانند. آنان همواره این اندیشه‌ی خداپسندانه را در ذهن خود می‌پروراندند که مهم‌ترین راز و رمز توفیق رسول گرامی اسلام (ص) و ائمه‌ی هدی در جذب دل‌های مشتاق سعادت، خصلت ساده‌زیستی و تواضع در برخورد با مردم بوده است (پاک‌نیا، ۱۳۸۸).

آنان می‌دانند که: خداوند بزرگ بر پیشوایان عادل واجب کرده که خود را با مردم ناتوان برابر قرار دهند تا تنگدستی، فرد مستمند را به طغیان و سرکشی وادار نکند (الکافی، ج ۱). امام صادق (ع)، دلدادگان به مظاهر دنیوی را مذمت کرد و فرمود: مشمول لعن و غضب خداست کسی که بنده‌ی درهم و دینار باشد (الکافی، ج ۲).

آن گرامی درباره‌ی ضرورت زندگی ساده و بی‌آلایش مدیران و رهبران جامعه‌ی اسلامی می‌فرمود: خدا می‌داند که من می‌توانم خانواده‌ام را با خرمای خوب اطعام نمایم (و به بهترین صورت زندگی کنم)؛ اما دوست دارم خداوند مرا در حال برنامه‌ریزی صحیح زندگی ببیند (الکافی، ج ۵).

آری؛ دلبستگی به دنیا علاوه بر این که مانع کمال انسان و باعث بدبینی عموم می‌شود، باعث

می‌گردد تا یک مدیر در لذت‌های زودگذر دنیا غوطه‌ور شود و از نوع محرومیت‌های طبقات نیازمند جامعه، غافل بماند (پاک‌نیا، ۱۳۸۸).

کارگزاران پیرو اهل بیت، هرگز این سخن گهربار امام صادق (ع) را فراموش نمی‌کنند که فرمود: اگر دوست داری که در درگاه الهی با خدا همنشین شوی و در بهشت در جوار حضرت باری تعالی مسکن گزینی، دنیا [و مظاهر فریبنده‌ی آن] در نظر تو باید پست و خوار باشد. مرگ را نصب‌العین خود قرار بده [و برای خود در این دنیا] چیزی ذخیره نکن، و بدان آن چه قبلاً از اعمال نیک در این دنیا برای جهان آخرت تقدیم داشته‌ای، به حال تو سودمند خواهد بود و از کارهای نیک که انجام آن‌ها را به تأخیر انداخته‌ای، ضرر خواهی کرد» (تحف العقول، حسن بن شعبه حرانی و بحار الانوار، علامه مجلسی).

از منظر امام صادق (ع)، یک مسلمان با ایمان، با زندگی ساده، بی‌پیرایه و دل‌کنندن از علایق دنیوی و زرق و برق آن، سعادت خود را در هر دو جهان تضمین می‌کند.

امام خمینی (ره) درباره‌ی ضرورت ساده‌زیستی مسئولان حکومتی می‌فرمود: مصیبت‌هایی که ملت‌ها می‌کشند از این است که متصدیان امورشان از قشر مرفه و از اشراف و اعیان جامعه‌اند، در پی این هستند که ثروت‌شان را زیاد کنند (صحیفه‌ی امام، ۱۳۷۹).

مدیران شایسته در حکومت اسلامی، ساده‌زیستی را یک خصلت خداپسندانه و باعث رسیدن به کمالات روح و ارتقای کیفی در انجام کارهای جامعه و خدمت به مردم می‌دانند. آن بزرگوار در فراز دیگری از سخنانش خطاب به دولتمردان و روحانیان صاحب منصب کشور می‌فرماید: اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید، بدانید که دیر یا زود مطرودمی‌شوید (صحیفه امام، ۱۳۷۹). در فرازی دیگر چنین می‌فرماید: «شما گمان نکنید اگر با چندین اتومبیل بیرون بیایید و جبهه‌تان نزد مردم بزرگ می‌شود! آن چیزی که مردم به آن توجه دارند و موافق مذاق عامه است، این است که زندگی شما ساده باشد، همان‌گونه که سران اسلام و پیغمبر اسلام (ص) و امیر مومنان (ع) و ائمه‌ی ما، زندگی‌شان ساده و عادی بود، بلکه پایین‌تر از عادی (صحیفه امام، ۱۳۷۹).

۷- امانتداری و صداقت

از مهم‌ترین نیازهای عصر ما برای آحاد جامعه به ویژه متولیان امور حکومتی، تقویت و ترویج خصلت‌های زیبای امانتداری و راستگویی است؛ زیرا فراگیر شدن پدیده‌ی دروغ، خیانت، دورویی و نفاق، آثار و تبعات منفی و ناشایستی در جامعه دارد، و لازم است که در عزل و نصب

مدیران، این ویژگی‌ها با کمال جدیت پیگیری، و تشویق و تنبیه افراد، به طور شفاف با این معیارهای پسندیده انجام شود. لازم است که افراد چاپلوس، دروغگو و خیانت‌پیشه، طرد، و انسان‌های امین و درستکار، شناسایی شوند و در مصدر امور قرار گیرند. آشکار کردن آثار و برکات امانتداری و صداقت، آموزش عملی و تشویق انسان‌های امین و صادق، و معرفی الگوهای پاکدامنی و راستی، مهم‌ترین نیاز جامعه به ویژه در سطح مدیران است (پاک‌نیا، ۱۳۸۸). امام صادق (ع) در بیان معیار انتخاب افراد می‌فرماید: به نماز و روزه افراد فریفته نشوید؛ چه بسا که شخصی به نماز و روزه عادت کرده و ترک آن برایش وحشت‌آور و آزاردهنده است؛ بلکه آن‌ها را در مقام راستگویی و امانتداری آزمایش کنید (الکافی، ج ۲).

مناصب دولتی در حکومت اسلامی، امانت‌هایی بس حساس و ارزشمندند و خداوند متعال در قرآن کریم فرموده: خداوند متعال به شما فرمان می‌دهد که امانت‌ها را به اهلش بسپارید (نساء/۸)؛ بنابراین ویژگی امانتداری و راستگویی باید در اوصاف مدیران جامعه‌ی اسلامی با تمام وجود، دنبال، و منصب‌های حکومتی به عنوان امانت‌هایی گران‌سنگ به اهلش واگذار شود.

امام صادق (ع) درباره‌ی انتخاب علی (ع) به عنوان جانشین رسول خدا (ص) و پیشوایی امت اسلام، به این دو صفت اشاره می‌کند و به یار وفادارش عبدالله بن ابی یعفور پیام می‌دهد که ای عبدالله! جعفرین محمد به تو سلام می‌رساند و یادآور می‌شود: به ویژگی‌های علی (ع) در نزد رسول خدا (ص) بنگر و به آن‌ها ملتزم شو! به راستی علی (ع) به وسیله‌ی راستگویی و امانتداری به آن ویژگی‌ها در نزد پیامبر (ص) رسید (جامع‌الأخبار، تاج‌الدین شعیری و امالی، صدوق).

امام صادق (ع) در گفتاری چنین هشدار می‌دهد: نگاه نکنید به بسیاری نماز و روزه و حج و کارهای نیک و دعا و زمزمه‌های شبانه‌ی افراد، نگاه کنید به راستگویی و امانتداری مردم (الکافی، ج ۲).

از منظر پیشوای صادق (ع)، امانتداری ۳ مرحله دارد و کسی را نمی‌توان امین به حساب آورد، مگر این که در این ۳ مرحله، امانتداری خود را اثبات کند: در حفظ اموال، حفظ اسرار و رازهای پنهانی و پاسداری از ناموس مردم. اگر فردی ۲ مورد را رعایت کند، اما در یکی دیگر از عهده برنیاید، امین نخواهد بود. آن حضرت در این باره فرمود: شخص را نمی‌توان امین به حساب آورد مگر آن که در سه چیز امانتداری خود را انجام دهد: بر اموال، اسرار و ناموس [مردم] و اگر دو تای این‌ها را حافظ باشد و یکی را ضایع کند، امین نیست (مستدرک سفینه‌البحار، علی

نمازی شاهرودی و بحارالانوار).

۸- اصرار بر اجرای قانون

در نهج البلاغه می‌خوانیم که امام علی (ع) فرمود: به خدا سوگند، بیت المال تاراج شده را هر کجا که بیابم، به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گرچه با آن ازدواج کرده، یا کنیزانی خریده باشند؛ زیرا در عدالت، گشایش برای عموم است، و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است (نهج البلاغه).

در ذیل خطبه‌ی یکصد و چهارم می‌فرماید: به خدا سوگند، درون باطل را می‌شکافم تا حق را از پهلویش بیرون کشم (نهج البلاغه).

در خطبه‌ی یکصد و شش با اعتراض شدید امام (ع) روبه‌رو هستیم که به اصحاب خود می‌فرماید: هم اکنون می‌نگرید که قوانین و پیمان‌های الهی شکسته شده اما خشم نمی‌گیرید، در حالی که اگر پیمان پدران تان نقض می‌شد ناراحت می‌شدید (نهج البلاغه).

در نامه‌ی پنجم برای تویخ اشعث بن قیس والی آذربایجان می‌نویسد: همانا پست فرمانداری برای تو وسیله‌ی آب و نان نبوده، بلکه امانتی در گردن توست؛ باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی، تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی، و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی (نهج البلاغه).

در نامه‌ی بیستم برای زیاد بن ابیه، جانشین فرماندار بصره می‌نگارد: همانا به راستی به خدا سوگند می‌خورم اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده، و در هزینه‌ی عیال، در مانده و خوار و سرگردان شوی (نهج البلاغه). در نامه‌ای دیگر خطاب به کار گزار خود می‌فرماید: به ریسمان قرآن چنگ بزن و از آن نصیحت پذیر، حلالش را حلال و حرامش را حرام بشمار... مرگ و جهان پس از مرگ را فراوان به یاد آور...، از کاری که تو را خشنود و عموم مسلمانان را ناخوشایند است، پرهیز...، خشم خود را فرو نشان و به هنگام قدرت ببخش و به هنگام خشم فروتن باش و در حکومت مدارا کن تا آینده خوبی داشته باشی (نهج البلاغه، نامه‌ی ۶۹).

۹- روش رفتار با مردم

از نظر علی (ع)، مردم معصوم نیستند، گاهی گمراه می‌شوند، و روی علل نامعلومی نافرمانی می‌کنند، و عمداً یا خطأً با حکومت مخالفت می‌نمایند؛ در چنین شرایطی، حاکم نباید رفتار مردم را بهانه قرار داده و قدرت خود را برای درهم کوبی و نابودی آن‌ها به کار گیرد؛ یعنی

وظیفه‌ی حاکم، مدارا با مردم، نصیحت جامعه، اصلاح آن‌ها و رسیدگی به امور و حل مشکلات و معضلات آن‌ها است. یقیناً اگر حکومت با این طرز تفکر با مردم رفتار کند، پاداش خوبی از جامعه دریافت خواهد کرد، و همیشه نام نیکی از آن‌ها در تاریخ باقی خواهد ماند. این یک قاعده‌ی کلی است که برخورد خشن با مردم، عکس‌العمل متقابل به همراه می‌آورد و به تعبیر فلاسفه، دفع ضدد با ضدد را در پی دارد. هر کس با خلاقیت درآمیزد و کمر به جنگ جامعه ببندد، چند صباحی دوام پیدا نخواهد کرد؛ چراغ عمر او به خاموشی رفته، آن وقت، بدنام‌تر از گذشته، سر زبان‌های مردم می‌چرخد (ابراهیمی، ۱۳۸۶).

از نظر امام علی (ع)، توده‌ی مردم دارای صفات زیر هستند:

۱. بهترین پایه برای دین‌اند؛

۲. بهترین اساس جامعه اسلامی‌اند؛

۳. آماده‌ترین مردم برای دفاع در برابر حملات دشمن‌اند.

با توجه به آنچه گفته شد، ضروری‌ترین امور برای یک حاکم این است که هیچ وقت از جلب رضایت آن‌ها غافل نشود، از میان رعیت کسی را از خود نراند، عیوب مردم را پوشاند و درصدد علاج و اصلاح آن‌ها (عیوب) برآید، و فقط در صورتی که خیلی آشکار باشد، با آن (عیوب) مبارزه کند.

از جمله توصیه‌های حکیمان‌های امیرمؤمنان که جامعیت ویژه‌ای در میان خطابه‌ها و نامه‌های آن حضرت دارد، نامه‌ی معروف خطاب به مالک‌اشتر است که در آن، حضرت، همه‌ی ابعاد و زوایای ابزار و عوامل عدالت اجتماعی را لحاظ کرده‌اند. در فرازی از این نامه همچنین آمده است: ای مالک، من تو را به سوی شهرهایی فرستاده‌ام که پیش از تو دولت‌های عادل یا ستمگری بر آن حکم رانده‌اند. پس نیکوترین اندوخته‌ی تو باید اعمال صالح و درست باشد؛ هوای نفس را در اختیار گیر و از آنچه حلال نیست، خویشتن‌داری کن..... مهربانی با مردم را پوششش دل خویش قرار ده و با همه دوست و مهربان باش؛ مبادا هرگز چنان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی، زیرا مردم دو دسته‌اند: دسته‌ای برادر دینی تو، و دسته‌ی دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند؛ اگر گناهی از آنان سرزد یا علت‌هایی بر آنان عارض شود، آنان را ببخشای و بر آنان آسان گیر، آن‌گونه که دوست داری خدا تو را ببخشد و بر تو آسان گیرد (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

با توجه به فرازهای نامه‌ی مالک‌اشتر، می‌توان به این مطلب توجه داشت که برای اداری

امور، علاوه بر تدبیر و کاردانی با اقتدار، می‌بایست به ابزارهای عاطفی و انسانی نیز تمسک جست (وثوقی، ۱۳۸۷).

رهنمودهای امام (ع) نشانگر تأثیر ایمان و اعتقاد صحیح در هدایت و اصلاح جامعه است که ایشان توجه کارگزاران را به آن سمت و سو، جلب می‌کردند. در فراز دیگری از نامه می‌فرمایند: به مردم نگو به من فرمان دادند و من نیز فرمان می‌دهم، پس باید اطاعت شود، این گونه خودبزرگ‌بینی دل را فاسد می‌کند و دین را پژمرده و موجب زوال نعمت‌هاست.

دوست‌داشتنی‌ترین چیزها در نزد تو، در حق، میانه‌ترین و در عدل، فراگیرترین، و در جلب خشنودی مردم، گسترده‌ترین باشد، هرگز نیکو کار و بدکار در نظرت یکسان نباشد؛ زیرا نیکو کاران در نیکو کاری بی‌رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می‌گردند؛ پس هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده.

بدان ای مالک، هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به رعیت، بهتر از نیکو کاری به مردم و تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نیست.

امیرمؤمنان در این نامه به حقوق تمام اقشار مردم اعم از نظامی، تاجر، ادیب، کارگر و...، دستورالعمل‌هایی داده و رهنمودهای لازم را مبذول داشته و یادآور شده‌اند که رعایت حقوق هر یک از اقشار جامعه، منجر به شکوفایی عدالت در جامعه می‌گردد، که حاکم دین نباید از آن‌ها غفلت نماید.

مولای متقیان در نامه‌ای دیگر خطاب به والی خود، چنین می‌فرمایند: در بامداد و شامگاه، در یک مجلس عمومی، به امر اطلاع‌رسانی و آموزش (که از ابزارهای اصلاح یک جامعه است) با مردم بنشین، آن‌هایی که پرسش‌های دینی دارند، با فتواها آشنا گردان و ناآگاه را آموزش ده و با دانشمندان به گفتگو پرداز؛ جز زبانت، چیز دیگری پیام‌رسانت با مردم، و جز چهره‌ات، دربانی وجود نداشته باشد (نهج البلاغه، نامه‌ی ۶).

در یک رهنمود دیگر، امام (ع) خطاب به «عبدالله بن عباس» فرماندار بصره چنین فرمودند: با مردم به هنگام دیدار در مجالس رسمی و در مقام داوری، گشاده‌رو باش و از خشم بپرهیز که سبک مغزی، به تحریک شیطان است (نهج البلاغه، نامه ۷۶).

رهبر فرزانه‌ی اسلام با توجه به روان‌شناختی جامعه‌ی اسلامی که در آن مردم غیرمسلمان نیز زندگی می‌کنند و حق و حقوقی دارند، علاوه بر توصیه‌های دینی، رفتار انسانی را به حاکمان خود توصیه می‌کردند، و در برخی موارد، آن‌ها را مورد عتاب قرار می‌دادند و حقوق

غیرمسلمان‌ها را یادآوری می‌کردند. در نامه‌ای خطاب به حاکم فارس چنین فرمودند: پس از نام خدا و درود، همانا دهقانان مرکز فرمانداریت از خشونت و قضاوت و تحقیر کردن مردم و سنگدلی توشکایت کردند، من درباره‌ی آن‌ها اندیشیدم، نه آنان را شایسته‌ی نزدیک شدن یافتم، زیرا که مشرک‌اند، و نه سزاوار قساوت و سنگدلی و بدرفتاری، زیرا با ما هم پیمان‌اند؛ پس در رفتار با آنان، نرمی و درشتی را به هم آمیز؛ رفتار توأم با شدت و نرمش داشته باش، و اعتدال و میانه‌روی را در نزدیک یا دور کردن، رعایت کن (نهج البلاغه، نامه ۱۹).
بدین گونه بود که حکومت عدل علوی، در جامعه‌ی اسلامی از چشمه‌ی زلال سعادت ابدی کام مسلمانان را شیرین نمود و آن‌ها را به حکومت دینی امیدوار ساخت (وثوقی، ۱۳۸۷).

۱۰- اصلاحات اقتصادی

از آن‌جا که لازمه‌ی هر جامعه‌ی با ثبات و مقتدر حفظ و داشتن یک سیستم منظم و کارآمد اقتصادی است و به منزله‌ی رگ‌های حیاتی عمل می‌کند، امیرمؤمنان از این بُعد نیز به اصلاح جامعه می‌پرداختند: با فقر در هر جبهه از هر سو می‌جنگم تا بر او پیروز شوم.
اصلاح امر معیشت اثر به‌سزایی در اصلاح مردم و آبادانی جامعه دارد و به‌عنوان یکی از زمینه‌های هدایت، نمود پیدا می‌کند. امیرمؤمنان برای جلوگیری از فساد اقتصادی و اجرای عدالت اجتماعی، همواره در تقسیم رفاه و اموال بیت‌المال، دقت ویژه‌ای داشتند و در این رابطه به جزئیات نیز توجه می‌نمودند؛ به‌عنوان مثال، در یک مورد، هنگامی که اموال بیت‌المال را بین نمایندگان قبایل تقسیم می‌کردند، تکه نانی باقی ماند، و آن حضرت همان نان را هم به نسبت مساوی بین نمایندگان قبایل تقسیم نمودند (عدالت اجتماعی، محسن قرائتی).
مولای متقیان در مورد امور اقتصادی، علاوه بر رعایت تقسیم اموال عمومی به مردم و کارگزاران توصیه می‌کردند که از اسراف پرهیزند، چراکه اسراف یکی از عوامل رکود اقتصادی و عمران و آبادانی است. در نامه‌ی جانشین فرماندار بصره چنین آمده است: ای زیاد، از اسراف پرهیز و میانه‌روی را برگزین، و از امروز به فکر فردا باش و از اموال دنیا به اندازه‌ی کفایت خویش نگاه‌دار... (نهج البلاغه، نامه ۲۱).

از آن‌جا که اقتصاد از دیدگاه امام علی (ع) شریان حیات زندگی دنیایی است و اصلاح آن موجب آرامش خاطر و زمینه‌ی درستی و صداقت را نیز فراهم می‌نماید، ایشان ضمن دریافت مالیات (زکات و غیره)، توصیه‌های اخلاقی و سازنده را نیز مد نظر داشتند و خطاب به مالیات‌بگیران می‌فرمودند: در سر راه، هیچ مسلمانی را نترسان و یا بازور از زمین او (مالیات‌دهنده)

نگذر؛ افزون‌تر از حقوق الهی از او مگیر، و هرگاه به آبادی‌ای رسیدی در کنار آب فرود آی، و وارد خانه‌ی کسی مشو؛ سپس با آرامش و وقار به سوی آنان حرکت کن تا در میان‌شان قرارگیری؛ به آن‌ها سلام کن و در سلام و تعاریف و مهربانی، کوتاهی نکن؛ سپس می‌گویی: ای بندگان خدا، مرا ولیّ خدا و جانشین او به سوی شما فرستاده، تا حق خدا را که در اموال شماست، تحویل بگیرم؛ آیا در اموال شما حقی است که به نماینده‌ی او پردازید؟ اگر کسی گفت نه، دیگر به او مراجعه مکن و اگر کسی پاسخ داد آری، همراهش برو، بدون آن که او را بترسانی، یا تهدید کنی یا به کار مشکل و ادا سازى؛ هرچه از طلا و نقره به تو رساند، بردار و اگر گوسفند و شتر بود، بدون اجازه‌اش داخل مشو، که اکثر اموال از آن اوست؛ پس از انتخاب، اعتراض نکن، و صاحبش را اجازه ده که خود انتخاب کند و بر انتخاب او خرده مگیر (نهج البلاغه، نامه‌ی ۲۵).

علی (ع) در نامه‌ای دیگر خطاب به مأموران مالیات فرمودند: به تو سفارش می‌کنم که با مردم تندخو نباشی و به آن‌ها دروغ گویی... بدان! برای تو در این زکاتی که جمع می‌کنی، سهمی معین و حقی روشن است و شریکانی از ضعیفان و مستمندان داری؛ همان‌گونه که ما حق تو را می‌دهیم، تو هم نسبت به حقوق آنان وفادار باش... (نهج البلاغه، نامه‌ی ۲۶).

امیرمؤمنان معتقد بودند که اخذ مالیات برای عمران، آبادانی و رفاه مردم است، بنابراین می‌باید رضایت خاطر مردم نیز جلب شود، تا این که مردم با رغبت با حکومت همکاری داشته باشند؛ بنابراین فرمودند: برای گرفتن مالیات، لباس‌های تابستانی یا زمستانی، مرکب سواری و برده‌ی کاری او را نفروشید و برای گرفتن درهمی، کسی را تازیانه نزنید و به مال کسی دست اندازی نکنید (نهج البلاغه، نامه‌ی ۵۱).

رهبان عدالت‌گستر اسلام، ضمن توصیه‌های جزئی و کلی در زمینه‌ی اصلاح اقتصادی، خود بهترین الگو برای مردم بودند و در نهایت سادگی زندگی می‌کردند، در حالی که می‌توانستند زندگی بهتر از آن را به دست بیاورند (وثوقی، ۱۳۸۷).

۱۱- اصلاحات قضایی

یکی دیگر از دغدغه‌های امیرمؤمنان در دوران خلافت، اصلاح امور قضایی و رعایت حقوق فردی-اجتماعی امت مسلمان بود، که در دوره‌های خلفای پیشین، با چشم‌پوشی‌های قومی، قبیله‌ای و سیاسی، نادیده گرفته شده بود، و ای بسا مظلوم به جای ظالم مجازات نیز گردیده بود. آن حضرت در مورد مقابله با ظلم و ستم، چنان با قاطعیت و شهامت وارد عرصه می‌شد که هیچ

ظالمی نمی توانست از چنگال عدالت بگریزد. چنان با انصاف و عدل از حق دفاع می کرد که ای بسا خود مجرمان به قضاوت خشنود می شدند. ایشان می فرمودند: افراد خوار و ستمدیده در نزد من بسیار قوی و عزیز هستند تا این که حق آنان را به آن‌ها بازگردانم، و افراد قوی و ستمگر در نزد من بسیار ناتوان و ضعیف‌اند تا این که حقی را از آنان باز پس بگیرم (جرج جرداق).
در امر قضاوت و احقاق حق، امیر مؤمنان، چنان جدی و مصمم عمل می کردند که حتی از داغ نهادن بر دست برادر خویش، و اهمه‌ای نداشتند، تا این که برادر، حرارت آتش را بر جسم خود احساس کند، و تقاضای سهم بدون نوبت از بیت‌المال مسلمین ننماید: سوگند به خدا، برادرم عقیل را دیدم که به شدت تهیدست شده و از من درخواست داشت تا یک من از گندم‌های بیت‌المال را به او ببخشم. پی‌درپی مرا می‌دید و درخواست خود را تکرار می‌کرد. چون به گفته‌های او گوش دادم، پنداشتم که دین خود را به او واگذار می‌کنم و به دلخواه او رفتار و از راه و رسم عادلانه‌ی خود دست برمی‌دارم. روزی آهن را در آتش گذاختم و به جسمش نزدیک کردم تا او را بیازمایم؛ پس چون بیمار از درد فریاد زد و نزدیک بود از حرارت آن بسوزد، به او گفتم، ای عقیل، گریه کنان بر تو بگریند، از حرارت آهنی می‌نالی، که انسانی به بازیچه آن را گرم ساخته است، اما مرا به آتش دوزخی می‌خوانی که خدای جبارش با خشم خود آن را گذاخته است! (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۲۴).

امام و رهبر عدل‌گستر جهان اسلام، خود نیز در محضر قاضی، بدون شاهد، نتوانست حق فردی خود را تصاحب کند؛ چنان‌چه معروف است، آن حضرت با مردی یهودی بر سر زرهی نزاع داشتند؛ هنگامی که نزد قاضی وقت (شریح قاضی) برای دادخواست روانه شدند، قاضی به احترام امیر مؤمنان از جای خود برخاسته و امام را به جای خود نشانده؛ آن حضرت ضمن اعتراض به عمل یک‌جانبه‌ی قاضی که چرا تنها از وی احترام کرده و طرف دیگر نزاع، احترام نکرده، سخنان رسول‌خدا را درباره‌ی قاضی به وی یادآور شدند و سپس از شریح خواستند که به قضاوت پردازد و چون امام برای ادعای خود، که زره از آن ایشان است، شاهدی نداشت، از حق مسلم خود محروم شدند. مرد نصرانی چون قضاوت اسلام را در مورد ولی مسلمین، امیر مؤمنان مشاهده کرد، به عمل خلاف خود اعتراف کرد و شهادتین را بر زبان جاری ساخت (فضائل الخمسه من الصحاح السته‌ی، علامه سید مرتضی حسین فیروزآبادی).

رهبر عدالت‌گستر اسلام به قدری در مورد حقوق فردی حساس و دقیق بودند که حتی حقوق شهروندی غیرمسلمانان را نیز جدی می‌گرفتند: «به من خبر رسیده که مردی از لشکر شام به

خانه زنی مسلمان و زنی غیرمسلمان که در پناه حکومت اسلام بوده‌اند، وارد شده و خلخال و دستبند و گردن‌بند و گوشواره‌های آن‌ها را به غارت برده در حالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع، جز گریه و التماس نداشته‌اند، اگر بر این حادثه‌ی تلخ، مسلمانی از روی تأسف بمیرد، ملامت نخواهد شد و از نظر من سزاوار است (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۲۷).

هنگامی که عده‌ای به امام یادآوری کردند که معاویه با هدایا و پول‌های فراوان، عده‌ای را جذب کرده، شما هم از اموال عمومی به اشراف عرب و بزرگان قریش ببخشید و از تقسیم مساوی بیت‌المال دست بردارید تا به شما گرایش پیدا کنند، امام فرمودند: آیا به من دستور می‌دهید برای پیروزی خود، از جور و ستم درباره‌ی امت اسلامی که بر آن‌ها ولایت دارم، استفاده کنم! به خدا سوگند تا عمر دارم و شب و روز برقرار است، هرگز چنین کاری نخواهم کرد. اگر این اموال از خودم بود، به گونه‌ای مساوی در میان مردم تقسیم می‌کردم تا چه رسد که جزو اموال خداست! آگاه باشید، بخشیدن مال به آن‌ها که استحقاق ندارند، زیاده‌روی و اسراف است....» (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۲۷).

از آن‌جا که رعایت حقوق فردی آثار مثبتش به جامعه باز می‌گردد و زمینه‌ی فضای سالم را برای رسیدن به کمال فراهم می‌نماید، امام بزرگوار خطاب به مالک‌اشتر چنین فرمودند: از میان مردم، برترین فرد نزد خود را برای قضاوت انتخاب کن؛ کسانی که مراجعه‌ی فراوان، آن‌ها را به ستوه نیاورد، در اشتباهاتش پافشاری نکند و بازگشت به حق پس از آگاهی برای او دشوار نباشد؛ پس از انتخاب قاضی، هرچه بیشتر در قضاوت‌های او بیندیش و آن‌قدر به او ببخش که نیازهای او برطرف گردد و به مردم نیازمند نباشد (نهج البلاغه، خطبه‌ی ۵۳).

قضاوت درست، ضمن این که امنیت را به جامعه باز می‌گرداند، موجب نشاط روانی و انگیزش بسیار برای فعالیت و سازندگی در جامعه بود، اما اجرای عدالت، چنان برای عده‌ای سخت و طاقت‌فرسا بود که تحمل امام برای آن‌ها دشوار بود و سرانجام مسیر زندگی آن‌ها را عوض کرد، اما در مقابل این عده، ضعف در آرامش زندگی کردند (وثوقی، ۱۳۸۷).

حاکم و دولتمردان اسلامی در گام اول به عنوان الگوهای جامعه وظیفه دارند کارها و رفتار خویش را اصلاح نمایند، چرا که مردم به رفتار و اعمال آن‌ها اقتدا می‌کنند؛ در گام بعدی وظیفه دارند حدود تعزیرات اسلامی را برای جلوگیری از مفسدات اجتماعی، قاطعانه و بدون ترس از اعتراض ابرقدرت‌ها و وابستگان آن‌ها اجرا نمایند. قرآن، اجرای حدود را باعث حیات جامعه‌ی انسانی می‌داند، آن‌جا که می‌فرماید: «و لکم فی القصاص حیاة یا اولی الاباب لعلکم تتقون»؛

یعنی برای شما در قصاص حیات و زندگی است، ای صاحبان خرد! شاید شما تقوا پیشه کنید. امام هفتم (ع) درباره‌ی این آیه «فیحیی به الارض بعد موتها؛ زنده می گرداند زمین را پس از مرگ آن» فرمود: «این آیه، زنده شدن زمین به واسطه‌ی باران را نفرموده، بلکه مقصود آیه این است که خداوند مردانی برمی‌انگیزد تا عدالت را زنده کنند و به واسطه‌ی زنده شدن عدالت و اقامه‌ی حدود، زمین، زندگی را از سر می‌گیرد. هر مجازات اسلامی که در زمین اجرا شود، نفع آن بیشتر از چهل روز باران است (وسائل الشیعه).

نه تنها اجرای حدود بر کاتی دارد و باعث جلوگیری و ریشه کنی فساد می‌شود، اجرا نکردن آن، از گناهان بس بزرگ است. علی (ع) هنگام اجرای یکی از حدود الهی فرمود: خدایا! توبه پیامبرت هنگامی که از دینت خبر می‌داد، فرمودی: ای محمد! هر کس یک حدّ از مجازات‌های مرا تعطیل کرده و اجرا نکند، با من دشمنی کرده و بدین وسیله خواستار مخالفت با من شده است (وسائل الشیعه).

۱۲. وظایف کارگزاران

طبق دیدگاه امام علی (ع) در حوزه‌ی مدیریتی و اداری، هیأت حاکمه و اعضای دولت باید روشی را در پیش گیرند و به اموری پردازند که شامل موارد زیر باشد:

- الف. به حق نزدیک تر باشد؛
- ب. شامل عدالت شده و در تأمین آن مؤثر باشد؛
- ج. رضایت مردم را جلب نماید؛
- د. از ترجیح روابط و نزدیکان بر ضوابط قانونی اجتناب جدی نماید، چون نتایج منفی زیر را به دنبال دارد:

- ۱- د. تحمیل مخارج بی‌مورد و سنگین بر دولت؛
- ۲- د. کمترین سود عاید دولت می‌شود؛
- ۳- د. موجب دوری از انصاف حاکم نسبت به سایر مردم می‌گردد؛
- ۴- د. درخواست بیشتر اطرافیان را موجب می‌گردد؛
- ۵- د. کمترین سپاسگزاری را آن‌ها از حکومت خواهند کرد؛
- ۶- د. اگر به آن‌ها نرسی، بیشترین نق را می‌زنند و دیرتر از همه عذر پذیراند؛
- ۷- د. صبرشان در برابر حاکم، کمتر از هر کس دیگر خواهد بود.

۱۳- وظایف دیگر دولت

از دیدگاه امام علی(ع)، دولت و شخص ریاست آن، ضروری است که با علما مرادوی زیاد داشته باشد، از مجالست فراوان با حکما غفلت ننماید، برای تثبیت قدرت، مصلحت امور بلاد را در نظر بگیرد و روشی را پیشه‌ی خود سازد که باعث پایداری و وفاداری مردم در دولت‌های قبل بوده است. به خاطر این که لزوم همیاری مردم با همدیگر، اجتناب ناپذیر است؛ چون زندگی بعض مردم با بعض دیگر اصلاح می‌شود، مردم از همدیگر در هیچ شرایطی بی‌نیاز نیستند.

دولت از توجّه خاص به طبقات مردم نباید غفلت کند و در شناسایی آن‌ها همت گمارد، مثل مشاغلی که در جامعه وجود دارد، از جمله: عضویت در نیروهای مسلح، نویسندگی، قضاوت، کارمندانی که کارشان سبب رتق و فتق امور مردم می‌شود، بعض مردم مالیات‌بده و خراج پردازند، قسمت دیگر شان تاجر و اهل صنعت می‌باشند، و تعدادی هم قشر آسیب‌پذیر و فقیر اجتماع می‌باشند. خداوند برای هر یک از این طبقات در کتاب خود و سنت نبی خود، سهمی را معین کرده، یا واجبی را برای آن‌ها مشخص ساخته که دولت باید متعهد آن باشد (ابراهیمی، ۱۳۸۶).

از منظر امام علی(ع)، این طبقات، پیوند ناگسستنی و ارتباط زنجیره‌ای با هم دارند، و یکی متکی بر دیگری است؛ مثلاً نظامیان سپر محکم رعیت، زینت حاکمان، عزت دین، تأمین‌کننده‌ی امنیت راه‌ها و امنیت عمومی مردم‌اند. طبیعی است مخارج و معاش آن‌ها به عهده‌ی جامعه است، یعنی قوام ارتش از سرمایه‌ی ملت خواهد بود، و خداوند از مال ملت برای ارتشیان مقرری تعیین کرده است.

کتاب‌نامه و منابع

- ابراهیمی، محمدعلی (۱۳۸۶). قانون‌گرایی در نهج‌البلاغه، فقه‌پژوهان، شماره‌ی ۲.
- بحارالانوار ج ۱۰۴.
- پاک‌نیا، عبدالکریم (۱۳۸۸). مهم‌ترین ویژگی‌های مسئولان از دیدگاه امام صادق(ع)، مبلغان، شماره‌ی ۱۲۰.
- حسن بن شعبه حرانی، تحف‌العقول، نشر جامعه‌ی مدرسین، ص ۳۰۴ و بحارالانوار، علامه مجلسی، مؤسسه الوفا، ج ۷۵.

- تاج‌الدین شعیری، جامع الأخبار، نشر رضی، قم، ص ۱۰۰، فصل ۵۶ و امالی، صدوق، نشر کتابخانه اسلامی.
- جوادی آملی، عبدا... (۱۳۷۸). فلسفه و اهداف حکومت اسلامی در دیدگاه اسلام درباره‌ی مدیریت، مجموعه‌ی بیست و سوم، نوشته‌ی جمعی از اساتید مدیریت، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- رحیمیان، محمدحسن (۱۳۸۰)، نقش ورع در مدیریت، پاسداراسلام، شماره‌ی ۲۳۳.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۳). اصول اخلاقی و رفتاری مدیران و کارکنان دستگاه‌های دولتی، انتشارات مؤسسه‌ی عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۰). اخلاق کارگزاران، مرکز آموزش مدیریت دولتی، تهران.
- صحیفه‌ی امام، (۱۳۷۹)، مجموعه‌ی آثار امام خمینی (ره)، نشر مؤسسه‌ی تنظیم آثار امام (ره)، تهران، ج ۱۶ و ۱۷.
- صدیقی، محمد (۱۳۷۸). سیره‌ی امام (ره) در مدیریت، الگویی برای موفقیت مدیران، فصلنامه‌ی مدیریت دولتی، شماره‌ی ۴۵ و ۴۶، صص ۱-۱۲.
- فضائل الخمسه من الصحاح الستّه، تألیف علامه‌السیّد مرتضی‌الحسین‌الغیروز آبادی، ج ۳. -قرائتی، محسن، عدالت اجتماعی.
- قرآن کریم.
- محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ۲ و ۵.
- مزارعی، فخرالدین (۱۳۷۸)، ضوابط رفتاری خدمات عمومی از نظر اسلام در دیدگاه‌های اسلام درباره‌ی مدیریت، مجموعه‌ی بیست و سوم، نوشته‌ی جمعی از اساتید مدیریت، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- علی‌نمازی شاهرودی، مستدرک سفینه‌البحار، نشر اسلامی، ج ۱، ص ۲۲۳ و بحار الانوار، ج ۷۵.
- مصباح یزدی (۱۳۷۸). تبیین مفهوم مدیریت اسلامی در دیدگاه‌های اسلام درباره‌ی مدیریت، مجموعه‌ی بیست و سوم، نوشته‌ی جمعی از اساتید مدیریت، مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- جرج جرداق، صوت‌العدالة الانسانیة، ج ۱.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نشر سنبله.
- نهج البلاغه، نشر ائمه.

- نهج البلاغه، ترجمه و شرح فشرده، محمد جعفر امامی و محمدرضا آشتیانی.
- وثوقی، فاطمه (۱۳۸۷). شیوه‌های اصلاحات از دیدگاه امیرمؤمنان علی علیه‌السلام، پاسداراسلام، مهر ۱۳۸۷، شماره ۳۲۲.
- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، مؤسسه‌ی آل‌البیت، ج ۱۸ و ۲۸.